

«ترکان» برگی دیگر از آثار سوءتدبیر در هزینه‌کرد در آمدهای نفتی را روکرد

«اعتیاد به دلار» در دسر دولت یازدهم

شرق: هنوز هم ریشه‌های مشکلات دولت کنونی را در عملکرد دولت‌های نهم و دهم می‌داند. اکبر ترکان در گفت‌وگوی خود با «شرق»، با نگاهی به عقبه آنچه به دولت یازدهم رسیده، می‌گوید سوءتدبیر با درآمدهای نفتی با حجم زیاد، کارما را امروز بسیار سخت کرده است و باید ۱۰ سال صبر کنیم تا آن روند اصلاح شود و نمی‌توان انتظار داشت در یک سال باقی‌مانده دولت، همه کارها حل شود. او از کارشکنی‌های مجلس نهم پس از اعلام نتایج انتخابات و برگزیده‌نشدن ۲۰۰ نفر از نمایندگان هم سخن به میان می‌آورد. به گفته او: «در چند ماه اخیر نمایندگان مجلس یکباره دست به کارهای عجیب‌وغریب زدند که باید خدا را شکر کنیم بسیاری از اقداماتشان به تصویب نرسید. می‌خواستند ظرف یک هفته قانون پولی و بانکی را زنجور و کنند و برنامه ششم را که از شش ماه قبل تصویب نگرده بودند به‌سرعت تصویب کنند. این خیلی کار خطرناکی بود که می‌خواستند در دو، سه هفته آخر همه کارها را انجام دهند». ترکان با کله از این عملکرد مجلس پیشین، اظهار امیدواری کرد برخی از اقدامات مجلس نهم مانند به تصویب‌ن‌رساندن تبصره افزایش سرمایه بانک‌ها در لایحه بودجه ۹۵، در مجلس دهم اصلاح شود.

❧ اگر بخواهیم نگاهی به عملکرد اقتصادی دولت یازدهم داشته باشیم، چقدر از این عملکرد منبعث از خطاهای دولت نهم و دهم است؟ در دوره‌ای قابل‌توجه نفت بیش از صد دلار قیمت داشت و تا ۱۴۰ دلار هم بالا رفت. درآمدهای سرشاری از نفت به همه کشورهای نفتی رسید. قبل از اعمال تحریم‌ها، ما هم از این درآمدها برخوردار بودیم. مقایسه می‌کنم رفتاری را که ما با این درآمدهای نفتی داشتیم و نحوه استفاده دیگر کشورها از این درآمدها. ما همه این درآمدها را در بودجه استفاده کردیم و همه را به واردات کالایی که خدمات توان تولیدش را داشتیم، تبدیل کردیم؛ مثل پوشاک و لوازم ساختمانی. نتیجه این کارها این بود که با درآمد سرشار نفتی کالای وارداتی آوردیم و چون قیمت ارز را هم پایین نگه داشتیم، تورم باعث شد تولید داخلی گران شده و چون قیمت ارز ثابت بود واردات ارزان شد. واردات ارزان علیه تولید داخلی عمل کرد که نتیجه شکست تولید داخلی بود. این امر اجتناب‌ناپذیر است. با تورم، کالاهای داخلی و دستمزد بالا می‌رود. ولی اگر ارز را ثابت نگه داریم، قیمت صادراتی ثابت می‌ماند. در نتیجه تولید داخلی ورشکسته می‌شود و بی‌کاران بیشتر می‌شوند. قیمت ارز به‌صورت جهشی بالا رفت. بنابراین واردات کالاهایی که خودمان هم توان تولیدشان را داشتیم به دلیل ارزان نگه‌داشتن نرخ ارز، موجب شکست تولید داخلی شد و همه‌چیزمان وارداتی شد. دیگران چه‌کار کردند؟ در همسایگی ما عربستان سعودی همین درآمدهای سرشار را ذخیره کرد. حالا نفت به‌شدت افت قیمت پیدا کرد. وضع ما چگونه است؟ ما همه درآمدهای نفتی را همان زمان مصرف کرده‌ایم. اما برخی کشورهای نفتی دیگر با همان درآمدهای نفتی، علیه امنیت ملی ما در همسایگی‌مان اقدام کرده و داعش را فاینانس می‌کنند. این اتفاقات نشان می‌دهد سوءتدبیر با درآمدهای نفتی قبلی، کار ما امروز بسیار سخت کرده است. امروز هم آثار این تصمیمات باقی است چون برخی افراد عادت کرده‌اند با دلارهای نفتی فراوان برای خود زندگی‌ای درست کنند بدون اینکه کار مفیدی انجام دهند، چون در کشور ما افراد متناسب با مصرف، کار نمی‌کنند. بعضی‌ها که در سیستم اداری و بوروکراسی کشور هستند، ارزش کارشان متناسب با برخورداری‌شان از سطح رفاه نیست. برخورداری‌شان از سطح رفاه ناشی از نفت است. بنابراین سیستم اداری و بوروکراسی کشور بیمار می‌شود. این عادت بد، ماندنی است و درست‌کردنشان با یک اقدام کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست چون یک تربیت غلط رایج شده است.

تأثیر روند در دولت کنونی هم وجود دارد؟

دولت کنونی بخش‌هایی از اینها را نمی‌تواند حل کند. در دولت‌های نهم و دهم ۸۰۰ هزار نفر به کادر اداری دولت اضافه شدند. آیا واقعا این تعداد نیاز بودند؟ خیر. اینها کسانی هستند که به دلایل غیرحرفه‌ای استخدام شدند. آیا می‌توان آن ۸۰۰ هزار نفر را اخراج کرد؟ خیر. اینها آثار ماندگاری است که تا سال‌ها وپال گردن دولت‌ها خواهند بود. در بخش خرد هم بحث‌هایی وجود دارد که خوب است مرور کنیم. تورم بالا موجب می‌شود نرخ سود بانکی هم افزایش پیدا کند چون اگر پولتان را در بانک بگذارید، در صورت تورم ۲۰ درصد بعد از یک سال ارزش اسکناس صدتومانی شما درواقع ۸۰ تومان است. چون قدرت خرید معادل ۲۰ درصد کم شده است. بنابراین اگر تورم بالا باشد، سود بانکی باید طوری باشد که تورم را جبران کند. این امر موجب بالا رفتن سود بانکی شد. به‌طوری‌که اکنون کوشش می‌کنیم تورم را پایین بیاوریم تا بتوانیم سود سپرده و تسهیلات را کم کنیم. این کاری محوری است که دولت یازدهم در کاشش تورم انجام می‌دهد. اگر تورم و سود بانکی کاهش پیدا نکند، هیچ کسب‌وکار حلالی، اقتصادی نیست. کسب‌وکارهای حلال ۱۲ درصد در سال بیشتر سود ندارند. کسب‌وکارهای نامناسب و منجر ف است که سودهای غیرعادی دارند. به‌نوعی کلاهبرداری است که می‌تواند سودهای عجیب‌وغریبی داشته باشد. سودهای معمولی صنعت ۱۲، ۱۰ درصد است. وقتی نرخ سود بانکی ۲۸ درصد باشد. آیا می‌شود کسب‌وکار حلال داشت؟ نرخ سود بانکی بالا موجب انحراف بسیاری از عملیات اقتصادی می‌شود. گاهی بانک‌ها حبله‌گری می‌کنند. یک نفر از بانک صد تومان وام می‌گیرد، وام ۲۸ درصد بهره حساب می‌کند و او را مجبور می‌کند بخشی از پول را به‌عنوان سپرده با نرخ بهره ۱۸ درصد در بانک بگذارد. مشتری هم چاره‌ای ندارد چون پول لازم دارد به هرچه بانک‌ها بگویند، تمکین می‌کند. بانک‌ها در زمان وادمان‌پردگه‌هایی را برای امضا به فرد می‌دهند که اختیار همه زندگی‌اش را جز عقد زناشویی از او می‌گیرند. فرد طی اسنادی که امضا می‌کند، این کار باید بخشی از وامی که گرفته را در بانک با نرخ ۱۸ درصد سپرده کند. این کار



عکس: امیر جدیدی، شرق

باعث می‌شود کسب‌وکار حلال دیگر سودآور نباشد. بانک‌ها اکنون یک گرفتاری عمده دارند که متأسفانه باعث ادامه بیماری شده است. بانک‌ها سپرده‌های مردم را معادل ۸۰۰ هزار میلیارد تومان دریافت کرده ولی در سال می‌توانند ۴۰۰ هزار میلیارد تومان وام بدهند. چون پول‌ها را به جاهایی داده‌اند که قفل شده و پول برنمی‌گردد. این پول‌ها به معوقات بانکی و مطالبات مشکوک‌الوصول تبدیل شده است. بنابراین نیمی از سپرده‌هایی که دریافت کرده‌اند، اصلا گردش ندارد و مطالبات غیر جاری بانک‌ها نامیده می‌شود. اتفاق تلخی که می‌افتد این است که عرضه پول کم می‌شود. وقتی در بازار پول، عرضه کم و تقاضا زیاد شد، نرخ سود تسهیلات گران‌قیمت می‌شود.

از این هزار هزار میلیارد تومان نقدینگی موجود در جامعه، ۲۰۰ هزار میلیارد تومان در مؤسسات پولی و اعتباری غیرقانونی است که مجوزهای لازم را ندارند و تحت‌نظارت بانک مرکزی نیستند و قوانین پولی را رعایت نمی‌کنند. ۸۰۰ هزار میلیارد تومان هم در بانک‌هاست. از این میزان فقط ۴۰۰ هزار میلیارد تومان در گردش است. بنابراین عرضه پول این‌طور نیست که همه نقدینگی کشور در سیستم بانک‌های قانونی باشد و همه‌شان در گردش باشند. بانک مرکزی هم جرئت ندارد مؤسسات غیرقانونی را تعطیل کند چون توان اینکه پول مردم را به آنها برگرداند، ندارد. در چند مورد که بانک مرکزی با این مؤسسات غیرمجاز که عمدتا در دولت گذشته ایجاد شده، برخورد کرد، مردم خواهان دریافت پولشان شدند. وقتی بانک‌ها پولی برای پرداخت به مردم نداشته باشند، مردم به سمت دولت می‌روند. هرچه دولت می‌گوید اینها مؤسسات غیرقانونی بودند، مگر روز اول شما از ما پرسیدید که پولتان را به آنها سپردید؟ اما این حرف قابل‌قبول نیست. مردم می‌گویند این مؤسسه تابلو داشته و ما اعتماد کرده‌ایم. امروز اگر یک جگرگی بدون مجوز باشد کلانتری فورا آنرا تعطیل می‌کند. نمی‌دانم این همه مؤسسات و شعب اعتباری چگونه درست شده که هیچ کلانتری‌ای آنجا را تعطیل نکرده است. ۲۰۰ هزار میلیارد تومان هم در اختیار این مؤسسات است و اصلا معلوم نیست کجاست و چه بلایی بر سرش آمده. به‌همین‌دلیل کمبود عرضه پول وجود دارد. البته کمبود نقدینگی نداریم، عرضه پول در بازار تسهیلات کم است.

در چند ماه اخیر که تکلیف انتخابات معلوم شده بود و بیش از ۲۰۰ نفر از نمایندگان برکنار شدند، یکباره دست به کارهای عجیب‌وغریب زدند که باید خدا را شکر کنیم بسیاری از اقداماتشان به تصویب نرسید. می‌خواستند ظرف یک هفته قانون پول و بانکی را زنجور و کنند و برنامه ششم را که از شش ماه قبل تصویب نکرده بودند، را به‌سرعت تصویب کنند. این خیلی کار خطرناکی بود که می‌خواستند در دو، سه هفته آخر همه کارها را انجام دهند

❧ دولت باید چه‌کار می‌کرده که نکرده؟

ابتدا باید سعی کند تورم را کاهش دهد و بعد سود بانکی را کم کند. در این راه مقاومت‌ها بالااست. اما چاره‌ای وجود ندارد. سود بانکی باید به تدریج کم شود تا حدی که معادل تورم به‌علاوه کارمزد باشد.

❧ دولت در این زمینه موفق بوده است؟

تابه‌حال بانک مرکزی اعلام کرده نواستنه نرخ سود بین‌بانکی را ۱۷ درصد کند. میزان موفقیت از نظر من قانع‌کننده نیست و انتظار سرعت بیشتری در تحولات داریم.

❧ گفته می‌شود کاهش تورم، به رکود موجود و ورشکستگی عظیم در صنایع دامن زده است. نظر شما در این‌باره چیست؟

باید چند اقدام در این زمینه انجام شود: اول اینکه دارایی‌های غیر جاری بانک‌ها به دارایی جاری تبدیل شود. مثلا بانک‌ها بخشی از تسهیلات را به دولت داده‌اند که باید به دارایی جاری تبدیل کنند که در گردش باشد. درواقع دولت باید با دادن اوراق بهادار، این دارایی را به دارایی جاری تبدیل کند به طوری که ارزش معاملاتی پیدا کند. دارایی غیرجاری ارزش مبادلاتی ندارد و معامله نمی‌شود. اما اگر به اوراق بهادار تبدیل شد، ارزش مبادلاتی پیدا می‌کند و به دارایی جاری تبدیل شده و عرضه در بازار بالا می‌رود. در این شرایط، نرخ سود هم کم می‌شود.

❧ اما این عملکرد هنوزمشاهده نشده است.

چرا انجام می‌شود اما به‌کندی صورت می‌گیرد. افزایش سرمایه بانک‌ها باید به‌سرعت انجام شود و قدرت وام‌دهی بالا برود. تعدادی از بانک‌ها بی‌انضباطی کرده‌اند و روابط اشتباهی دارند. وقتی می‌گوییم دارایی جاری بانک‌ها کم است، در همه بانک‌ها یکسان نیست. در بعضی بانک‌ها دارایی جاری ۲۰ درصد و در بعضی ۷۰ درصد است. انتهایی که دارایی جاری ۲۰ درصد را دارند، بیشترین ضرورت را برای اصلاح سیستم دارند.

❧ افزایش سرمایه را دولت در بودجه ۹۵ اعلام کرد اما مجلس موافقت نکرد. مجلس تبصره‌های ۱۹ و ۲۰ را حذف کرد و باعث شد اقدام دولت ابرر بماند.

اما به مجلس جدید بسیار خوش‌بین هستیم.

❧ امکان اصلاح این تبصره‌ها وجود دارد؟

بله، با اصلاحیه بودجه‌ای که باید داده شود، باید از نمایندگان محترم خواهش کنیم باری کنند و اجازه دهند سیستم اصلاح شود.

❧ عملکرد دولت را در زمینه رشد اقتصادی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آقای نعمت‌زاده در بخش صنعت، فرد توانایی است و توان حل‌کردن مسائل صنعتی کشور را دارد. اما ایشان نیازمند است در بخش تجاری هم کاری انجام

روزنامه شرق

اقتصاد

دوشنبه • ۲۴ خرداد ۱۳۹۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۰۶ • ۹

شرق

نگاه

عملکرد اقتصادی دولت آقای روحانی: یک ارزیابی ۳ساله



اگر بخواهیم عملکرد سه‌ساله دولت آقای روحانی را در عرصه اقتصاد مورد ارزیابی قرار دهیم، باید از دو زاویه به موضوع نگریست: (۱) اقداماتی که انجام شد، (۲) اقداماتی که انجام نشد. روشن است اگر بخواهیم تحلیلی واقع‌بینانه عرضه کنیم، ناگزیر از آن هستیم که شرایط محیطی را لحاظ کنیم. زیرا شرایط محیطی قیدهایی بر اعمال و تصمیمات همه ما ازجمله دولت اعمال می‌کند. همچنین باید به این واقعیت توجه داشت که دولت اقتصاد را در چه شرایطی تحویل گرفت و به‌اصطلاح نقطه آغازین حرکت دولت چه بوده و نباید صرفا به این مسئله نگاه کرد که امروز کجا هستیم، بلکه باید به این موضوع نیز توجه کرد که چقدر راه آمده‌ایم تا به اینجا رسیده‌ایم.

روشن است دولت اقتصاد را در شرایط وخیمی تحویل گرفت. رشد منفی هفت درصد، تورم نزدیک به ۴۰ درصد، بی‌ثباتی شدید در اقتصاد و وجود انتظارات تورمی، خروج سرمایه و عدم سرمایه‌گذاری و نبود چشم‌انداز مثبت نسبت به آینده مشخصه شرایطی است که دولت در شروع کار در سطح کلان با آن مواجه شد. در سطح بخشی نیز وضعیت بسیار وخیم بود. صنایع که افول خود را از سال ۱۳۸۶ شروع کرده بودند، رو به تعطیلی بودند و رکودر رشد منفی ۳۰ درصد را داشتند و عمده آنها با ظرفیتی کمتر از ظرفیت اسمی و عملی فعالیت می‌کردند. در بازار مالی اوضاع به‌شدت نابسامان بود. سرکوب مالی‌ای که در دهه ۸۰ صورت گرفته بود همراه با اثرات تحریم موجب شده بود شبکه بانکی با حجم بالای مطالبات معوق مواجه باشد و ازاین‌رو نتواند و تمایل نداشته باشد مختصر نقدینگی، بانک‌ها را به‌شدت تهدید می‌کرد و آنها را در معرض ورشکستگی قرار داده بود و اقتصاد در ورطه تجربه یک بحران بانکی تمام‌عیار بود. تحریم بانکی، دریایی، بیمه و تجارت موجب شده بود عرصه تجارت خارجی نیز با دشواری زیادی مواجه باشد. در سطح مالیه دولتی نیز دولت با چند بحران اساسی مواجه بود. از یک‌سو تورآمد نفت به‌شدت کاهش یافته بود و دولت به منابع درآمدی خود در خارج از کشور نیز دسترسی نداشت. همچنین بدنه دولت در دوره آقای احمدی‌نژاد چنان گسترش یافته بود که هزینه جاری دولت مجال چندانی برای مانور دولت در هزینه‌های عمرانی باقی نمی‌گذاشت. از سوی دیگر، حجم پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام سرهفلک کشیده بود. در یک تخمین چیزی حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان پروژه نیمه‌تمام در کشور وجود داشت اما بودجه دولت در سال ۱۳۹۴ حدود ۲۱۰ هزار میلیارد تومان بوده که نزدیک به ۸۰ هزار میلیارد تومان آن صرف هزینه جاری دولت شده است و دولت فقط ۳۰ هزار میلیارد تومان برای هزینه‌کردن روی ۴۰۰ هزار میلیارد تومان پروژه نیمه‌تمام در اختیار داشته است. هم‌زمان یک آشفتگی تاریخی در مالیه دولت رخ داده بود و دولت اطلاعاتی از حجم دارایی‌ها و بدهی‌های خود در اختیار نداشت. یکی از اولین اقدامات وزارت اقتصاد در دولت آقای روحانی، احصای بدهی‌های دولت و دارایی‌های دولت بوده است. در یک تخمین گفته می‌شد دولت ۳۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی به پیمانکاران، شبکه بانکی و صندوق‌های بانزنشستگی دارد. به همه این امور اضافه کنیم که اقدامات دولت‌های قبل در مورد صندوق‌های بانزنشستگی موجب شده بود ابعاد هولناک آن به‌تدریج در اقتصاد ظاهر شود.

در چنین شرایطی، دولت این استراتژی را اتخاذ کرد که در اقتصاد ایران امروز «پیش‌بینی‌پذیر» شده است. این مؤلفه مهم در اقتصاد، به فعالان اقتصادی اعم از سرمایه‌گذار، تولیدکننده، کارآفرین، بازرگان و... کمک می‌کند که با آرام‌شدن فضای اقتصاد کلان بتوانند از آینده اقتصاد ایران و نوسانات احتمالی خاص‌ها یک پیش‌بینی نزدیک به واقعیت داشته باشند و با تصمیم‌گیری صحیح می‌توانند در دولت ترجیح می‌کند سرمایه‌ی سیاسی خود را فقط در حل مسئله تحریم صرف‌کند و نگذازد اعتراضات یا مخالفت‌های عمومی به دلیل سیاست‌های اقتصادی جدید، موجب شود مخالفان دولت از آن برای تضعیف سیاست دولت در مذاکره خارجی بهره‌برداری کنند. به‌این‌ترتیب اگرچه دولت در عرصه سیاست خارجی رویه تحول‌گرایانه‌ای را دنبال کرد، اما در عرصه اقتصاد شیوه محافظه‌کارانه‌ای را در پیش گرفت. درعین‌حال باید توجه داشت نرخ تورم در آن مقطع به شکلی بی‌سابقه ۴۰ درصد را درنور دیده بود و این خطر مهلک وجود داشت که اقتصاد به ورطه ابرتورم فروغلتد و روشن بود ورود به این ورطه موجب می‌شد تورم به‌سرعت به اعداد نجومی ۳۰۰ درصد، ۷۰۰ درصد و مانند اینها برسد. این دقیقاً چیزی است که در ونزوئلا رخ داد بدون آنکه تحریم باشد. هنر بزرگ دولت این بود که شرایط تنگنای مالی دچار این سوسوه نشد که با چاپ پول، بخواهد رونقی موقتی ایجاد کند. این اقدام می‌توانست ابرتورم را در اقتصاد ایران کلید بزند که اگر این‌گونه می‌شد، همه‌چیز را با هم نابود می‌کرد. بنابراین دولت خویش‌بنداری پیشه کرد و با انضباط مالی بی‌سابقه در دوران بعد از انقلاب توانست تورم را مهار کرده و روند آن را نزولی کند. متأسفانه برخی بی‌ملاحظه یا بی‌دکاهه که بیان می‌کنند که دولت هنری نکرد، زیرا با کاهش تورم، ریزگار را عمیق‌تر کرد. این حرف از دو جهت اشتباه است: از یک سو انضباط مالی هنری است که هیچ‌کدام از دولت‌های قبل موفق به انجام آن نشد از سوی دیگر، آنچه رخ داد این بود که رکود تعمیق نشد بلکه کاهش یافت.

ادامه در صفحه ۱۲

یادداشت

رویکرد بخش خصوصی، تعامل با دولت در عین مطالبه‌گری



سنجش عملکرد اقتصادی دولت یازدهم در بازه زمانی سه‌ساله گذشته، خلاف آنچه برخی می‌پندارند، کار سهل و ساده‌ای نیست و نمی‌توان صرفا براساس آماری که نتیجه سیاست‌های بلندمدت و از دهه‌های گذشته است کار دولت را به بوته نقد سپرد. در بیان آنچه دستاورد دولت می‌توان نامید باید به کاهش قابل‌توجه نرخ تورم اشاره کرد که نتیجه پایبندی دولت به انضباط مالی و اتخاذ سیاست‌های مناسب پولی است. سه سال قبل که دولت یازدهم در آغاز راه بود، اقتصاد کشور از تورم فزاینده‌ای رنج می‌برد و تحریم‌ها جلو هرگونه فولاد آوردن آمد. درحالی‌که همه کارخانه‌ها پر از فولاد بودند، سه میلیون فولاد واردات داشتیم. آقای نعمت‌زاده جلو این اتفاق را گرفت اما دریر شده بود. آن قدر هوشمند نبودیم که همان زمان، جلو مشکل را بگیریم.

❧ یکی از انتقادات جدی منتقدان به دولت آن است که در حذف یارانه ثروتمندان اقدامات لازم را انجام نداده. شما عملکرد دولت را در این زمینه چگونه می‌بینید؟

آنچه از سوی مجلس نهم در این زمینه ارانه شده، قابلیت اجرا ندارد. اینکه می‌گویند سه دهک پردرآمد را شناسایی کنیم قابل اجرا نیست. اینکه سهم‌میلیون تومان درآمد به بالا در ماه را حذف کنیم قابل اجراست. اما آیا کسی می‌تواند متوجه شود کاسیان تهران و شهرستان چقدر درآمد دارند؟ کسی می‌تواند بفهمد پزشک یا حقوق‌دان چقدر درآمد واقعی دارد؟ پردرآمدها قابل شناسایی نیستند. به نظر من باید گروه‌های ضعیف و کم‌درآمد را شناسایی کنیم و مجلس هم همراهی کند و به کم‌درآمدها یارانه بدهیم چون آسیب‌پذیر هستند و به این صورت پردرآمدها خودبه‌خود حذف می‌شوند.

❧ این پیشنهاد از سال اول به دولت داده شد اما دولت آن را باایگانی کرد و انجام نداد.

این کار نیازمند قانون است. قانون‌گذاران باید یاری کنند که بگوییم یارانه مختص ضعفا باشد. اگر این قانون اصلاح شود، اتفاق بزرگی شکل می‌گیرد.

❧ اصلا به نظرتان این کار در تفکر دولتمردان وجود دارد که حالا برای قانونی‌کردن آن نگاهشان به مجلس باشد؟

من نظر خودم را می‌گویم. این کار تابه‌حال انجام نشده چون همراهی نبوده، به انجام آن شد و امروز نرخ تورم در آستانه‌تک‌رقمی‌شدن قرار گرفته‌است. به‌همین‌مذاکرات سخت و فشرده هسته‌ای به نتیجه رسیده و تحریم‌های هسته‌ای لغو شده است و اگرچه هنوز مبادلات خارجی با مشکلات و موانعی روبه‌روست اما می‌توان به ادامه رایزنی‌ها و به‌تمرکشتن نتایج رفع تحریم‌ها در سال جاری و سال‌های آتی امیدوار بود.

در نتیجه هر دو این دستاورها، اقتصاد ایران امروز «پیش‌بینی‌پذیر» شده است. این مؤلفه مهم در اقتصاد، به فعالان اقتصادی اعم از سرمایه‌گذار، تولیدکننده، کارآفرین، بازرگان و... کمک می‌کند که با آرام‌شدن فضای اقتصاد کلان بتوانند از آینده اقتصاد ایران و نوسانات احتمالی خاص‌ها یک پیش‌بینی نزدیک به واقعیت داشته باشند و با تصمیم‌گیری صحیح می‌توانند در دولت ترجیح می‌کند سرمایه‌ی سیاسی خود را فقط در حل مسئله تحریم صرف‌کند و نگذازد اعتراضات یا مخالفت‌های عمومی به دلیل سیاست‌های اقتصادی جدید، موجب شود مخالفان دولت از آن برای تضعیف سیاست دولت در مذاکره خارجی بهره‌برداری کنند. به‌این‌ترتیب اگرچه دولت در عرصه سیاست خارجی رویه تحول‌گرایانه‌ای را دنبال کرد، اما در عرصه اقتصاد شیوه محافظه‌کارانه‌ای را در پیش گرفت.

درعین‌حال باید توجه داشت نرخ تورم در آن مقطع به شکلی بی‌سابقه ۴۰ درصد را درنور دیده بود و این خطر مهلک وجود داشت که اقتصاد به ورطه ابرتورم فروغلتد و روشن بود ورود به این ورطه موجب می‌شد تورم به‌سرعت به اعداد نجومی ۳۰۰ درصد، ۷۰۰ درصد و مانند اینها برسد. این دقیقاً چیزی است که در ونزوئلا رخ داد بدون آنکه تحریم باشد. هنر بزرگ دولت این بود که شرایط تنگنای مالی دچار این سوسوه نشد که با چاپ پول، بخواهد رونقی موقتی ایجاد کند. این اقدام می‌توانست ابرتورم را در اقتصاد ایران کلید بزند که اگر این‌گونه می‌شد، همه‌چیز را با هم نابود می‌کرد. بنابراین دولت خویش‌بنداری پیشه کرد و با انضباط مالی بی‌سابقه در دوران بعد از انقلاب توانست تورم را مهار کرده و روند آن را نزولی کند. متأسفانه برخی بی‌ملاحظه یا بی‌دکاهه که بیان می‌کنند که دولت هنری نکرد، زیرا با کاهش تورم، ریزگار را عمیق‌تر کرد. این حرف از دو جهت اشتباه است: از یک سو انضباط مالی هنری است که هیچ‌کدام از دولت‌های قبل موفق به انجام آن نشد از سوی دیگر، آنچه رخ داد این بود که رکود تعمیق نشد بلکه کاهش یافت.

ادامه در صفحه ۱۳